

پیشایندها و پیامدهای سازگاری با طلاق والدین در دختران جوان

جواد خدادادی سنگده^۱

بهار ایروانی^۲



[10.22034/ssys.2023.2628.2903](https://doi.org/10.22034/ssys.2023.2628.2903)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۹/۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۲۱

این پژوهش با هدف شناسایی پیشایندها و پیامدهای سازگاری با طلاق والدین در دختران جوان صورت گرفت. پژوهش کیفی حاضر با استفاده از روش تحلیل مضمونی (تماتیک) انجام شد. جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش، برابر بود با مشارکت‌کنندگان پژوهش که از بین دختران جوان شهر تهران در مناطق مرکزی در سال ۱۴۰۰ که ملاک‌های ورود به پژوهش را داشتند و در فراخوان درخواست مصاحبه اعلام آمادگی کرده بودند، انتخاب شدند. مشارکت‌کنندگان بر مبنای منطق نمونه‌گیری هدفمند از بین افراد واجد شرایط انتخاب شدند. فرایند نمونه‌گیری تا حصول اشباع نظری ادامه یافت و در نهایت ۱۶ مشارکت‌کننده از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته مورد مطالعه قرار گرفتند. اطلاعات به‌دست‌آمده با استفاده از روش کلایزر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

تحلیل مضمونی اطلاعات نشان داد که بستر قابلیت‌های فردی، بین فردی و بسترهای فرهنگی-تربیتی شامل مضامین اصلی گسترش ظرفیت روانی، توانمندی شناختی، مسئولیت‌پذیری، اتخاذ دیدگاه مثبت، فعال‌بودن حمایت نزدیکان، پیوند اجتماعی، باورهای فرهنگی-اجتماعی کارآمد و بسترهای تربیتی پیشایندهای سازگاری با طلاق والدینی بودند که در نتیجه پیامد بازآفرینی هویت با مضامین اصلی رشد پس از ضربه، آفرینش معنا، کاهش عواطف منفی، افزایش عواطف مثبت و انطباق با محیط را به همراه داشتند. دختران جوان مشارکت‌کننده در این پژوهش به جای حرکت در مسیر ناسازگاری و آسیب‌های احتمالی آن، در بستر قابلیت‌های فردی و بین فردی و بستر فرهنگی-تربیتی در مسیر سازگاری با طلاق والدینی حرکت کردند. بر این اساس در ارتباط با دختران جوان با تجربه جدایی والدین، تمرکز بر عوامل شناسایی‌شده در سازگاری اهمیت دارد.

واژگان کلیدی: سازگاری، طلاق والدین و دختران جوان.

^۱ استادیار، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Khodadadi@atu.ac.ir

^۲ کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مقدمه

همه کارکردهای خانواده به‌خصوص عدم ثبات خانواده تأثیر مستقیمی بر تغییر در زندگی فرزندان دارد. در واقع کارکرد ناسالم خانواده، سلامت فرزندان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (میشل^۱، ۲۰۱۵). طلاق، رویدادی پیچیده در جوامع انسانی است که ثبات خانواده‌ها را از هم می‌پاشد و نه تنها تعادل روانی زوجین، بلکه سلامت روان فرزندان، آشنایان، دوستان و نزدیکان را نیز تهدید می‌کند (عبدی، ۱۳۹۲: ۳۴۴). به موازات افزایش نسبی جمعیت و تحولات نظام فرهنگی اجتماعی و با اهتمام به آمار روبه‌رشد طلاق در جوامع مختلف، به‌ویژه در جوامع پیشرفته صنعتی، این پدیده به امری جهان‌شمول تبدیل شده و نگرانی بسیاری را به دنبال داشته است. روابط متعدهانه در ایالات متحده آمریکا، بالاترین میزان طلاق در سطح جهانی، ۴۰ تا ۵۰ درصد احتمال طلاق دائمی دارند (ریلی و سویینی^۲، ۲۰۲۰: ۸۱). آمار طلاق در ایران نیز شماری رو به افزایش داشته است. بررسی آمارها حاکی از آن است که در سال‌های گذشته همچنان فراوانی طلاق در ایران روند صعودی داشته است؛ به‌طوری‌که در هر ساعت تقریباً ۷۲ مورد طلاق در کشور ثبت می‌شود و در برخی از مناطق کشور مثل شهر تهران از هر سه ازدواج یک مورد به طلاق منجر می‌گردد (محمود پور و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۲). تعداد طلاق در ایران به‌طور مداوم رو به افزایش بوده و از ۹۴ هزار فقره طلاق در سال ۱۳۸۵، به ۲۰۱ هزار در پایان سال ۱۴۰۰ رسید (سازمان ثبت‌احوال کشور). بیشترین آمار طلاق در سال ۱۴۰۰ مربوط به کلان‌شهر تهران است که با ۳۷ هزار و ۳۸۱ طلاق ثبت شده در مرکز آمار ایران رکورددار است. با استناد به نتایج پژوهش مختلف و داده‌های آماری، به‌طور تقریبی یک‌سوم ازدواج‌ها در پنج سال اول زندگی به طلاق ختم می‌شوند. این یافته‌ها بیانگر این است که درصد قابل‌توجهی از مردم جامعه درگیر تعارض در خانواده خود شده‌اند (کایا^۳ و همکاران، ۲۰۱۶: ۳۴۵). تحقیقات حاکی از آن است که دومین حادثه استرس‌زا بعد از مرگ همسر، طلاق می‌باشد که نیازمند بیشترین تغییر برای سازگاری مجدد تمام اعضای خانواده است (بهاری ساروخیل، ۱۳۹۴: ۱۲). آثار طلاق روی فرزندان بسیار پیچیده است. فرزندان تک والد، بدون تمایل خود درگیر تعارضاتی خواهند شد که توانایی درک آن و کنار آمدن با آن را ندارند. فرزندان با تجربه جدایی والدین نیازهای به‌خصوصی دارند و بیشتر در معرض آسیب‌های روانی اجتماعی قرار دارند (کمالي‌نیا، ۱۴۰۰: ۱۴). علی‌رغم مشکلاتی که طلاق برای خانواده و جامعه در پی دارد، در عصر حاضر، همچون گذشته امری غیرقابل‌قبول و شنیع به‌حساب نمی‌آید و در اکثر جوامع مردم آن را به‌عنوان راهبردی برای رها شدن از موقعیت موجود می‌دانند (اولدهام^۴، ۲۰۱۸: ۵۲۵). درعین‌حال نباید از آثار و پیامدهای طلاق بر فرزندان چشم‌پوشی کرد. پژوهش‌های متعددی بیان داشتند که مشکلات زناشویی والدین بر فرزندان و کیفیت روابط آن‌ها تأثیر می‌گذارد (استوزمن^۵ و همکاران، ۲۰۱۱: ۶۶۳). در این میان، سازگاری با طلاق والدین

¹ Michelle

² Raley & Sweeney

³ Kaya

⁴ Oldham

⁵ Stutzman

می‌تواند عاملی اثربخش در بهبود کیفیت زندگی این فرزندان باشد. سازگاری، بر اساس یک باور جهانی، توانایی فرد در کنار آمدن با خواسته‌های ایجادشده و احساسات برانگیخته‌شده توسط یک موقعیت تعریف می‌شود. سازگاری یعنی توانایی مقابله مؤثر فرد با عوامل استرس‌زا در گذشته و آمادگی مقابله مؤثر با رویدادهای استرس‌آور احتمالی در آینده (سندلر^۱ و همکاران، ۲۰۱۵: ۹۹۹). در «نظریه تکامل»، سازگاری، توانایی انعطاف نسبت به تغییر شرایط تعریف شده است. همچنین از دیدگاه یادگیری اجتماعی، سازگاری رفتاری است که میانگین توانایی و شایستگی فرد را نسبت به گذشته خود و اطرافیان افزایش می‌دهد (باربر^۲، ۲۰۱۰). سازگاری در واقع یک فرایند روان‌شناختی تعریف می‌شود که در طول آن فرد با خواسته‌ها و چالش‌های زندگی مقابله می‌کند و یا آن‌ها را تحت سلطه خود درمی‌آورد (بوث و آماتو^۳، ۲۰۲۱). طلاق والدین، یک عامل خطر بسیار شایع است که با نرخ بالای مشکلات سلامت روان برای جوانان مرتبط است (آماتو^۴، ۲۰۱۰: ۶۵۲). این نکته حائز اهمیت است که همه فرزندان که در دوره سنی مخاطره‌آمیزی قرار دارند، به بحران‌های مختلف از جمله طلاق به یک شکل پاسخ نخواهند داد و همواره افرادی هستند که به‌طور موفقیت‌آمیزی با تجربه‌ی طلاق سازگار شده و آن را به‌عنوان نقطه عطفی در زندگی خود برای تلاش و موفقیت در نظر می‌گیرند و از آن‌طرف برخی از آنان نمی‌توانند با نتایج آن کنار بیایند که در نهایت درگیر مشکلات و چالش‌های زیادی خواهند شد (اونارهایم^۵ و همکاران، ۲۰۱۸: ۴۴). از آنجاکه فرزندان هنگام طلاق والدین در چرخه‌ای حساس از زندگی قرار دارند و با در نظر داشتن بافت فرهنگی ایران و ابعاد جنسیتی، به نظر می‌رسد دختران در خانواده‌های طلاق، پیامدهای اجتماعی و فرهنگی بیشتری را تجربه می‌کنند (زمانی زارچی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۰). پژوهشگر در این مطالعه قصد داشت با فهم تجربه دختران جوان، پیشایندها و پیامدهای سازگاری آنان با طلاق والدین را شناسایی کند.

مطالعات و بررسی ظرفیت سازگاری و توانایی فرزندان در داخل و خارج از کشور، بیش‌تر درباره جنبه‌های مختلف تأثیر طلاق بر فرزندان ارائه می‌دهد. علی‌پور و عبدی (۱۳۹۹) در پژوهش خود به ارتباط مستقیم تعاملات بین فردی و کنار آمدن آسان فرزندان با طلاق والدین اشاره کردند؛ بدین معنا که افزایش تعاملات اجتماعی در فرزندان منجر به کنش‌پذیری و انعطاف‌پذیری بیشتر و در نهایت سازگاری بهتر با شرایط و حفظ عزت‌نفس آنان خواهد شد. عیوض خانی و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه تجربه فرزندان از پدیده طلاق والدین به این نتیجه رسیدند که عوامل استرس‌زای زیادی در حین و بعد از طلاق تجربه خواهد شد ولی با وجود این، بیشتر افراد در برابر این مسئله با مقاومت و تاب‌آوری رفتار می‌کنند که در نهایت از اختلالات شدید روانی رنج نخواهند برد. کلمیچن^۶ (۲۰۱۰) در تحقیق خود تأثیرات طلاق بر روی سلامت روان‌شناختی در کشورهای مختلف (نقش هنجارها، حمایت و انتخاب) را

¹ Sandler

² Barber

³ Booth and Amato

⁴ Amato

⁵ Onarheim

⁶ Kalimjin

باهم مقایسه کرد و نشان داد حمایت خانوادگی با سلامت روان رابطه مثبت دارد و در جوامعی که نگرش نسبت به طلاق مثبت باشد، حمایت اجتماعی بیشتری وجود دارد که با سلامت روان رابطه مثبت دارد. بستیز^۱ و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که شیوه‌های مقابله تمرینش از هویت منسجم فرد سرچشمه می‌گیرد و پسران از شیوه‌های مقابله‌ای مسئله مدار و دختران از شیوه مقابله هیجان مدار استفاده می‌کنند. در پژوهشی که سورک^۲ در سال ۲۰۱۹ بر روی فرزندان انجام داد، بیان کرد که درک نوجوان از مسئله طلاق می‌تواند هم مثبت باشد و هم منفی که به دنبال خود، کیفیت زندگی افراد را تحت تأثیر قرار خواهد داد. همچنین در پژوهشی که همین پژوهشگر (۲۰۲۰) انجام داد، به این نتیجه رسید که فرزندان دارای خانواده‌های حمایتی مناسب، در شرایط اضطراب‌آوری مانند طلاق والدین‌شان، بسیار کمتر از راهبردهای سازگاران ناکارآمد همچون استفاده از سیگار و الکل و مواد استفاده کرده‌اند.

با اتمام به پژوهش‌های صورت گرفته و مطالب مطرح شده، می‌توان اظهار داشت که در پاسخ به امر طلاق والدین، اعمال واکنشی فرزندان بسیار متفاوت است و به نسبت توان و ظرفیت جسمانی و روانی، میزان سازگاری و عدم سازگاری در آنان تفاوت دارد. لذا پژوهش حاضر با هدف شناسایی پیشایندها و پیامدهای سازگاری با طلاق والدین در دختران جوان انجام پذیرفت. با توجه به این امر که تعداد فرزندی که با طلاق والدین روبه‌رو می‌شوند، به‌صورت روزافزون در حال افزایش می‌باشد و این فرزندان به‌نوعی در حال سازگاری با چالش‌های طلاق هستند، همچنین بنابر اهمیت قشر جوان جامعه و تأکید بر آینده‌سازی آنان، در کشور ایران نیازمند بررسی سازگاری با طلاق در سطح گسترده هستیم. همچنین با تأکید بر اینکه مطالعه‌ای کیفی در قالب تحلیل مضمون در مورد این موضوع در این جامعه هدف انجام نگرفته است، هدف از انجام این پژوهش جمع‌آوری تمام یافته‌ها و ارائه آن‌ها در قالب یک مطالعه کیفی بود. این تحقیق درصدد بود تا به روش کیفی به شناسایی پیشایندها و پیامدهای سازگاری با طلاق در فرزندان برآید؛ به طوری که ضمن همخوانی با علم روز در حوزه روان‌شناسی و مشاوره، با بافت بومی و فرهنگی جامعه حال حاضر ایران نیز مطابقت داشته باشد. مضامین حاصل از این پژوهش می‌تواند برای فرزندی که طلاق والدین را تجربه کرده‌اند یا فرزندی که والدین‌شان تصمیم به جدایی دارند، کاربردی و تأثیرگذار باشد. لذا سوال اساسی پژوهش این بود:

پیشایندها و پیامدهای سازگاری با طلاق والدین در دختران جوان چیست؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ نوع هدف، کاربردی و براساس روش، کیفی بود که با استفاده از رویکرد استقرایی صورت گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل مضمون^۳ استفاده شد. این روش به پژوهشگر امکان می‌دهد که در تجارب افراد مضامین نهانی و آشکار را بیابد و به تعبیر و تفسیر آن‌ها بپردازد. جمعیت مورد مطالعه در

¹ Bastaits

² Sorek

³Thematic

پیشایندها و پیامدهای سازگاری با طلاق والدین در دختران جوان

این پژوهش، دختران جوان شهر تهران در مناطق ۷، ۸ و ۱۰ در سال ۱۴۰۰ که ملاک‌های ورود به پژوهش را داشتند و در فراخوان درخواست مصاحبه اعلام آمادگی کردند، بودند که بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند^۱ و به شیوه در دسترس انتخاب شدند. علت اصلی انتخاب کلان‌شهر تهران، بیشترین نرخ طلاق در مقایسه با سایر شهرهای کشور ایران بود (سازمان ثبت‌احوال کشور و مرکز آمار ایران). ملاک‌های ورود به این پژوهش عبارت بودند از: حداقل دو سال و حداکثر پنج سال از طلاق والدین آن‌ها گذشته باشد و به اذعان خودشان با آن سازگار شده باشند؛ از شرایط مالی متوسط برخوردار باشند؛ در یکی از مناطق ۷، ۸ و ۱۰ در حال سکونت باشند و رضایت کامل از انجام پژوهش داشته باشند.

روش تحلیل مضمون نیازمند اطلاعات متنی-مصاحبه‌ای است که بدین منظور در پژوهش حاضر از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. فرآیند گردآوری اطلاعات با استفاده از روش مصاحبه نیمه‌ساختارمند بدین صورت بود که ابتدا پژوهشگر فراخوانی در فضای مجازی منتشر کرد و از افراد واجد شرایط درخواست مشارکت کرد. پس از یافتن افراد با آن‌ها تماس گرفته شد و جهت دریافت اطمینان فرآیند پژوهش به‌طور کامل شرح داده شد. سپس هماهنگی لازم برای زمان مصاحبه با مشارکت‌کنندگان انجام شد. مصاحبه‌ها به‌صورت برخط و تلفنی صورت گرفت و زمان مصاحبه‌ها بنابر خواسته شرکت‌کنندگان و میزان توضیحات‌شان برای هر سؤال متفاوت بود. میانگین زمان مصاحبه‌ها بین ۴۰ تا ۶۰ دقیقه متناسب با میزان علاقه در مشارکت محاسبه شد. مصاحبه‌کننده در ابتدا به‌منظور ایجاد رابطه بهتر و از بین بردن مقاومت شرکت‌کنندگان، در رابطه با نحوه پژوهش، روند کلی سؤالات، محرمانه بودن صحبت‌ها و رعایت اصل رازداری توضیحاتی را به آنان داد و سپس در مورد تمایل شرکت‌کنندگان به ضبط صدا از آنان سؤال شد و در صورت توافق، جریان مصاحبه با ابزار دیجیتال به‌طور کامل ضبط گردید. در ابتدا سؤالات جمعیت شناختی اولیه همچون: سن، تحصیلات، شغل، تعداد اعضای خانواده و علت جدایی والدین از آنان پرسیده شد و سپس روند مصاحبه ادامه یافت. سؤالات پژوهش بنابر ماهیت روش تحقیق عمدتاً باز پاسخ بود و با سؤالاتی کلی مثل «بعد از طلاق والدین چه محدودیت‌هایی را تجربه کردید؟» و «چگونه با این محدودیت‌ها و نیازها کنار آمدید؟» یا «چه کارهایی کردید که توانستید خود را با شرایط وفق دهید؟» و «چه چیزی به شما کمک کرد تا بتوانید به سازگاری برسید؟» شروع و سؤالات بعدی بر اساس روند مصاحبه و پاسخ شرکت‌کنندگان پرسیده می‌شد. مصاحبه‌ها تا زمان رسیدن به داده‌های تکراری ادامه یافت. در نهایت نمونه در پژوهش انجام شده با تعداد ۱۴ نفر به اشیاع رسید و جهت تایید و اطمینان بیشتر دو مصاحبه دیگر انجام گرفت. داده‌ها در طول یک دوره پنج‌ماهه (از اردیبهشت تا شهریور) جمع‌آوری، ثبت و کدگذاری شد. به عقیده براون و کلارک (۲۰۰۶) به طور کلی هیچ رویه منحصر به فردی برای آغاز مطالعه در تحلیل مضمون وجود ندارد و فرآیند کدگذاری داده‌ها از انعطاف‌پذیری کامل برخوردار است. در پژوهش حاضر با عنایت به ادبیات پژوهشی، پس از اطمینان از اشیاع مصاحبه‌ها و انجام مصاحبه تاییدی برای کدگذاری

^۱ Purposive sampling

و تحلیل اطلاعات، از مرحله هفت گانه کلایزی^۱ استفاده شد؛ بدین صورت که ابتدا متن مصاحبه‌ها به‌طور کامل روی کاغذ پیاده‌سازی و چندین بار مطالعه گردید. سپس عبارات مهم استخراج شد، کدهای حاصل از تجزیه و تحلیل اولیه بر مبنای شباهت اولیه جداگانه یادداشت گردید و به صورت طبقه‌هایی سازمان‌بندی شد. سپس کدهای مختلف برای تشکیل دسته‌های کلی‌تر در هم ادغام شدند و جزو مضامین اصلی قرار گرفتند. در نهایت کدهایی که موضوع مشابه داشتند، جزو تم‌ها یا مضامین اصلی قرار گرفتند. به‌جهت اعتبارپذیری داده‌ها بر اساس چهار شاخص اعتبار گابا و لینکلن^۲ (۱۹۸۹)، پس از تحلیل و کدگذاری هر مصاحبه مجدداً به مصاحبه‌کننده ارجاع داده شد تا صحت نتایج تایید شود و در صورت نیاز تغییراتی اعمال شود. به‌منظور قابلیت تصدیق داده‌ها سعی بر آن بود که با توجه به توصیفی بودن پژوهش و رعایت اپوخه^۳ (تعلیق پیش‌فرض‌ها) پژوهشگر در حد امکان پیش‌فرض‌های خود را در فرآیند مصاحبه و گردآوری اطلاعات دخالت ندهد. جهت تضمین قابلیت اطمینان و کفایت از مشورت و راهنمایی افراد متخصص در حوزه پژوهش و روش پژوهش استفاده شد. به منظور افزایش قابلیت تعمیم نیز این اصل لحاظ شد که مشارکت-کنندگان با حداکثر تنوع ممکن در ویژگی‌های جمعیت‌شناختی انتخاب شوند.

یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود بر اساس اصل اشباع نظری ۱۶ مشارکت‌کننده با میانگین سنی ۲۱ سال نمونه پژوهش را تشکیل دادند. حداقل مدت ۲ سال و حداکثر ۴ سال از زمان جدایی والدین آنها می‌گذشت و تحصیلات‌شان از دیپلم تا لیسانس متغیر بود.

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

کد شرکت‌کننده	سن	تحصیلات	مدت زمان جدایی والدین	تعداد اعضای خانواده	علت جدایی والدین
۱	۲۲	لیسانس معماری	۲ سال و ۶ ماه	۴	اعتیاد
۲	۲۱	دانشجوی زبان روسی	۳ سال	۴	پیمان‌شکنی
۳	۲۲	دانشجوی حقوق	۲ سال و ۱۱ ماه	۳	تعارض زوجی
۴	۲۰	دانشجوی روان‌شناسی	۴ سال	۳	اعتیاد
۵	۲۳	دانشجوی گردشگری	۳ سال	۳	تعارض زوجی
۶	۲۰	دانشجوی معماری	۲ سال و ۱۰ ماه	۵	پیمان‌شکنی
۷	۲۱	دیپلم ریاضی	۳ سال و ۲ ماه	۴	تعارض زوجی
۸	۲۰	کارشناسی حسابداری	۴ سال	۴	پیمان‌شکنی

^۱ Colaizzi

^۲ Guba, E.G. & Lincoln, Y. S.

^۳ Epiche

پیشایندها و پیامدهای سازگاری با طلاق والدین در دختران جوان

۹	۲۳	لیسانس معماری	۳ سال و ۸ ماه	۳	پیمان شکنی
۱۰	۲۱	کارشناسی روان شناسی	۲ سال و ۷ ماه	۴	اعتیاد
۱۱	۲۰	دانشجوی مدیریت	۳ سال و ۱۱ ماه	۴	پیمان شکنی
۱۲	۲۱	دانشجوی ادبیات	۲ سال و ۸ ماه	۴	تعارض زوجی
۱۳	۲۰	دانشجوی مهندسی	۳ سال و ۱۱ ماه	۵	پیمان شکنی
۱۴	۲۰	دیپلم انسانی	۳ سال و ۱ ماه	۴	تعارض زوجی
۱۵	۲۱	دیپلم هنر	۴ سال	۳	اعتیاد
۱۶	۲۳	کارشناسی تربیت بدنی	۳ سال و دو ماه	۳	تعارض زوجی

پس از حصول اشباع داده‌ها در فرآیند مصاحبه و تجزیه و تحلیل تجارب زیسته شرکت کنندگان در پژوهش، ۷۸ مضمون فرعی، ۱۳ مضمون اصلی و دو مضمون هسته‌ای شناسایی شد. یافته‌ها در جدول ۲ و ۳ نشان داده شده‌اند.

پیشایندهای سازگاری با طلاق والدین در دختران جوان

رویدادها و وقایعی که به‌طور مستقیم بر سازگاری با طلاق والدین تأثیرگذار بودند، در «پیشایندهای سازگاری طبقه‌بندی شدند:

جدول ۲: پیشایندهای سازگاری با طلاق در جوانان

مضمون فرعی	مضامین اصلی	مضمون هسته‌ای
تاب‌آوری، عزت نفس، پذیرش تفاوت و تغییر شرایط، احساس کنترل بر شرایط به‌جای تسلیم بودن، شوخ طبعی، اعتماد به نفس، توجه به خودتکایی، خارج شدن از خودبینی، اهمیت بخشی به حال به‌جای گذشته	گسترش ظرفیت روانی	مضمون هسته‌ای
هماندسازی با افراد موفق، کسب تجربه از اتفاقات تلخ گذشته، تمایز قائل شدن با مسائل والدینی، ادراک موفقیت، باور به گذرا بودن شرایط، تبدیل رنج به انگیزه، مقایسه مثبت با همسالان، عدم توجه به صحبت‌ها و واکنش‌های منفی، باور به وجود سختی و مشکلات برای همه، شناخت نقاط ضعف و قوت خود، مراقبت از خواهر/برادر کوچک‌تر، تعهد نسبت به رشد شخصی، فعال بودن، تلاش برای جبران محبت‌های تک‌والد، تلاش برای ارزشمندی در محیط کار و رسیدن به استقلال مالی	گسترش توانمندی‌های شناختی	بستر قابلیت‌های فردی و بین فردی و بستر فرهنگی-تربیتی در مسیر سازگاری با طلاق والدینی

امید به یکسان نماندن شرایط، مقایسه میزان آرامش نسبت به قبل از طلاق، توجه به داشته‌ها به جای محدودیت‌ها، تمرکز بر اتخاذ دیدگاه مثبت	رفتارهای مثبت والدین
کمک به تجربه عواطف، عدم بدگویی اطرافیان از والدین، تداوم ارتباط با فامیل، مهارت دوستان در آرام‌سازی، صمیمیت با یکی از اعضای خانواده، ممانعت از تنهایی، حمایت‌های مالی،	فعال بودن حمایت نزدیکان
برچسب نزدن اطرافیان به عنوان فرزند طلاق، صحبت‌های امیدوارانه اطرافیان	توانمندی در برقراری ارتباط اجتماعی با همسالان، مرزبندی با اشخاص و فضاهای سمی و آسیب‌زا، تلاش برای حفظ جایگاه تحصیلی، علاقه‌مندی به شرکت در سمینارها و کارگاه‌ها،
گسترش ارتباط با فرزندان دارای تجربه مشابه، تمایل به عضویت در انجمن‌های مربوطه	تصور واقع‌بینانه از طلاق در جامعه، ارزش‌های شخصی پایدار، تصور برابری توانمندی جنسیتی، تصور وجود بستر لازم برای استقلال بانوان، باور توجه به مراقبت از آسیب‌پذیری بیشتر پذیرش تفاوت نسلی با والدین، سازگار بودن با شرایط مختلف از کودکی، توجه به ظرفیت نگرش دینی، تصور پختگی و فهم بیشتر، تلقی درک شدن از جانب والد، تصور مرزبندی مناسب در خانواده، روحیه کمک به والد در شرایط موجود، توجه به لزوم صمیمیت با تک والد،
عدم توجه زیاد به قضاوت از جانب اطرافیان	باورهای فرهنگی - اجتماعی کارآمد
بسترهای تربیتی	عزت نفس، پذیرش تفاوت و تغییر شرایط، احساس کنترل بر شرایط به جای تسلیم بودن، شوخ‌طبعی، اعتماد به نفس، توجه به خوداتکایی، خارج شدن از خودبینی، اهمیت بخشی به حال به جای گذشته را شامل شد. چند نمونه از اظهارات مشارکت‌کنندگان بیان شده است:

اولین مضمون اصلی به دست آمده، به قابلیت‌های روان‌شناختی و توانمندی روانی آن‌ها در جهت رشد و سازگاری مرتبط می‌شد که با عنوان «گسترش ظرفیت روانی» شناسایی شد. این مضمون مضامین فرعی تاب‌آوری، عزت نفس، پذیرش تفاوت و تغییر شرایط، احساس کنترل بر شرایط به جای تسلیم بودن، شوخ‌طبعی، اعتماد به نفس، توجه به خوداتکایی، خارج شدن از خودبینی، اهمیت بخشی به حال به جای گذشته را شامل شد. چند نمونه از اظهارات مشارکت‌کنندگان بیان شده است:

«من و خواهرم از زمانی که پدر و مادرم جدا شدند انگار شرایطمون تغییر کرد. بابام همیشه می‌گفت که شما دیگه بچه نیستید و بزرگ شدید. خودتون باید کاراتون رو انجام بدید. از همون موقع فهمیدم باید صبور باشم و تفاوت الان با زمانی که مامانم بود رو قبول کنم.» (کد ۱)

پیشایندها و پیامدهای سازگاری با طلاق والدین در دختران جوان

مضمون اصلی دوم به توانمندی‌های شناختی و گسترش آن در بستر قابلیت‌های فردی مرتبط شد که در ادبیات مربوط به طلاق و نظریات و پژوهش‌ها مورد تأکید بوده است و به مصادیقی از آن‌ها اشاره می‌شود:

«به نظر من بچه‌ها نباید خیلی خودشون را درگیر مسائل و مشکلات پدر و مادرشون بکنن. روی خودشون تمرکز بکنن و با رنج و دردشون زندگی رو بسازن. نشینن غصه بخورن که وای من بچه طلاقم بدیختم، چون مشکلات رو همه دارن و همین مشکلات از من یک آدم موفق ساخته. اینا همه تجربه است و کمک می‌کنه به پختگی آدم» (کد ۷)

مسائل مرتبط با مسئولیت‌پذیری فرزندان که بر چگونگی سازگاری با طلاق والدین اثرگذار است، مضمون اصلی سوم را شکل دادند. عواملی همچون: مراقبت از خواهر/برادر کوچک‌تر، تعهد نسبت به رشد شخصی، فعال بودن، تلاش برای جبران محبت‌های تک‌والد، تلاش برای ارزشمندی در محیط کار و رسیدن به استقلال مالی مضامین فرعی را پدید آوردند:

«من چون یک برادر کوچک‌تر هم دارم، شرایطم به جوری بود که علاوه بر خودم باید از اون هم مراقبت می‌کردم و خب خیلی سعی کردم خودم رو جمع و جور کنم به خاطر همین اول از همه اون میومد توی ذهنم که: به خاطر برادرت هم که شده، باید متعهد باشی و پیشرفت کنی» (کد ۸)

مضمون اصلی چهارم به اتخاذ دیدگاه مثبت مشارکت‌کنندگان با شرایط زندگی خانوادگی مربوط شد. امید به یکسان نماندن شرایط، مقایسه میزان آرامش نسبت به قبل از طلاق والدین، توجه به داشته‌ها به جای محدودیت‌ها و تمرکز بر رفتارهای مثبت والدین مضامین فرعی را پدید آوردند:

«تنها چیزی که منو سرپا نگه داشت این بود که می‌دونستم قرار نیست شرایط همین‌جوری باقی بمونه» (کد ۸)

«چون پدرم اعتیاد داشت، مادرم هم توی شرایط مناسبی نبود، من و خواهرم خیلی در شرایط ناآرام و بدی بودیم و مدام خشونت و دعوا بود حتی مجبور بودیم کارایی که دوست نداریم انجام بدیم. بعد از طلاقشون خیلی اوضاع برای ما بهتر شد» (کد ۴)

پنجمین مضمون اصلی با عنوان «فعال بودن حمایت نزدیکان» شناسایی گردید که به گروه‌های حمایتی از قبیل فامیل و دوستان و نزدیکان شرکت‌کنندگان در جهت پیشگیری و حل تعارض‌های خانوادگی و چالش‌های پس از طلاق والدین آن‌ها مربوط می‌شد. نمونه‌ای از صحبت‌های مشارکت‌کنندگان به قرار زیر است:

«هرموقع ناراحت بودم، می‌رفتم توی بغل مادر بزرگمو انقدر گریه می‌کردم که خوابم می‌برد. همیشه با حرفاش آروم می‌کرد» (کد ۵)

«مادرم بهترین دوست منه و این باعث شده که من با بقیه بچه‌های طلاق متفاوت باشم» (کد ۹)

«عموی من از نظر مالی از همه نظر هوام رو داشت و هیچ موقع نمی‌داشت حسرتی توی دلم بمونه» (کد ۱۱)

مضمون اصلی ششم به پیوند اجتماعی در بستر قابلیت‌های بین‌فردی مرتبط شد که در نظریات و پژوهش‌های متعدد نیز از عوامل تسهیل‌بخش مورد تأکید در سازگاری با طلاق می‌باشد که مضامین فرعی توانمندی در برقراری

ارتباط اجتماعی با همسالان، مرزبندی با اشخاص و فضاهای سمی و آسیب‌زا، تلاش برای حفظ جایگاه تحصیلی، علاقه‌مندی به شرکت در سمینارها و کارگاه‌ها، گسترش ارتباط با فرزندان دارای تجربه مشابه و تمایل به عضویت در انجمن‌های مربوطه را شامل شد. به مصادیقی از آن‌ها که در پژوهش حاضر بررسی شد اشاره می‌شود:

«من یه دوستی دارم که باهم بزرگ شدیم که مثل خواهر نداشته‌ام و توی جریان طلاق پدر و مادرم خیلی بهم کمک کرد» (کد۸) «پسری تو زندگیم بود که خیلی بهم توهین کرد و حسابی تحقیرم کرد و من بعد از اون تصمیم گرفتم برای خودم و روابطم ارزش قائل بشم به هر آدمی اجازه ندادم وارد زندگیم بشه». (کد۵). «من از طریق انجمن بچه‌های طلاق تونستم با افراد شبیه به خودم آشنا بشم و یه گروهی شدیم که زبون همو خیلی خوب می‌فهمیم». (کد ۱۴)

هفتمین مضمون اصلی به‌دست‌آمده با عنوان «باورهای فرهنگی - اجتماعی کارآمد» شناسایی شد. هر شخصی در یک بافت و پیشینه فرهنگی اجتماعی خاص خانواده خود پرورش یافته است و انتظارات، ارزش‌ها، باورها و آداب و رسوم فرهنگی اجتماعی بخشی از واقعیت فردی اوست. انطباق‌پذیری با شرایط فرهنگی اجتماعی طلاق و پس از آن، چالش‌های متعددی به‌همراه دارد، اما چنانچه در این زمینه باورهای کارآمد افراد گسترش یابد، چالش‌های روابط ناشی از تفاوت‌ها به فرصت غنی‌سازی و رشد تبدیل می‌شود. نمونه‌هایی از مصادیق مشارکت‌کنندگان در مورد این مضمون ارائه شده است:

«خدا رو شکر الان خیلی طلاق توی جامعه پذیرفته‌تر شده و منم فکر می‌کنم که اصلاً چیز بدی نیست...» (کد ۱۲). «مطمئن بودم که هراتفاقی که داره می‌افته بعدش اتفاق‌های بهتری می‌افته. بالاخره زندگی بعد از جدایی اون‌ها هم ادامه داره» (کد ۸)

عوامل مرتبط با تربیت خانوادگی که از کودکی در ذهن مشارکت‌کنندگان نسبت به مسئله طلاق نقش بسته بود، در نحوه برخورد آنان با چالش‌های خانوادگی و سازگاری با طلاق والدینشان اثرگذار بودند و مضمون اصلی هشتم را شکل دادند. عواملی همچون: پذیرش تفاوت نسلی با والدین، سازگار بودن با شرایط مختلف از کودکی، توجه به ظرفیت نگرش دینی، تصور پختگی و فهم بیشتر، تلقی درک شدن از جانب والد، تصور مرزبندی مناسب در خانواده، روحیه کمک به والد در شرایط موجود، توجه به لزوم صمیمیت با تک والد و عدم توجه زیاد به قضاوت از جانب اطرافیان، مضامین فرعی را پدید آوردند:

«من با خانواده اختلاف سنی داریم و خب یه مواقعی واقعا حرف همو نمی‌فهمیم، ولی همچنان دوستشون دارم و براشون احترام قائلم» (کد۱). «خانواده من اجازه دخالت کردن نمیدادن و حتی وقتی دعواشون میشد، نمیذاشتن من از اختلافشون چیزی بفهمم» (کد ۱۰).

پیامدهای سازگاری با طلاق والدین در دختران جوان

مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، به اذعان خود از زمانی که به سازگاری با طلاق والدین رسیدند، نتایج مثبتی درباره زندگی شخصی، خانوادگی و اجتماعی تجربه کردند که سبب رشد پس از ضربه، آفرینش معنا،

پیشایندها و پیامدهای سازگاری با طلاق والدین در دختران جوان

کاهش عواطف منفی، افزایش عواطف مثبت و انطباق با محیط شد که مضمون هسته‌ای « بازآفرینی هویت » را تشکیل دادند.

جدول ۳: پیامدهای سازگاری با طلاق در دختران جوان

مضمون هسته‌ای	مضامین اصلی	مضامین فرعی
مضمون هسته‌ای بازآفرینی هویت	رشد پس از ضربه	رشد و بلوغ از میان مشکلات، آمادگی جهت رویارویی با مسائل آینده، پذیرش واقعیت همان‌گونه که هست، افزایش درک و فهم
		تغییر مثبت بینش، یافتن معنا در سختی‌ها، پذیرش رنج به عنوان بخشی از زندگی
	آفرینش معنا	دوری از ترس و افکار منفی جبران احساس شکست، کنترل خشم
		خودباوری، افزایش حس شادی، کاهش اضطراب احساس امنیت، رسیدن به صلح و آرامش درونی، رضایت مندی از زندگی، امیدوار شدن به آینده
	افزایش عواطف مثبت	سازش ارتباط عاطفی با خانواده ترکیبی، بهبود کیفیت ارتباطات اجتماعی، رسیدن به استقلال شخصی، موفقیت در مراتب تحصیلی و شغلی، توانایی اعتمادسازی
	انطباق با محیط	

مضمون اصلی اول در پیامدها به رشد پس از ضربه در جوانان سازگار شده با طلاق والدین مرتبط شد که در ادبیات پژوهشی و نظریات و پژوهش‌های متعددی مورد تأکید است و به مصادیقی از آن‌ها اشاره می‌شود: «اگر پدر و مادر من جدا نمی‌شدن، من قطعاً درک و فهمی که الان دارم رو نداشتم، من خیلی از طلاق پدر و مادرم درس گرفتم و مهم‌ترینش این بود که برای سختی‌های زندگی آماده باشم و بتونم انتخاب درستی داشته باشم تا به مشکل توی زندگی‌م بر نخورم...» (کد ۱۱).

دومین مضمون اصلی با عنوان «آفرینش معنا» شناسایی شد. نمونه‌ای از صحبت‌های مشارکت‌کنندگان به قرار زیر است:

«توی جلسات گروه‌درمانی به این نتیجه رسیدم که زندگی همیشه هم به خوشی نیست و خیلی وقتا همین سختی‌هاست که به زندگی ما معنا میده. من رنج و دردامو پذیرفتم و باشون زندگی می‌کنم...» (کد ۲).

مضمون اصلی سوم به کاهش عواطف منفی اشاره دارد که از نتایج سازگاری با طلاق والدینی بود:

«به مرور دیدم نسبت به طلاق عوض شد و اون استرسی که توی جمع‌ها داشتم کاملاً از بین رفت، اعتمادبه‌نفسم خیلی رفته بود بالاتر و راحت‌تر می‌تونستم حرفم رو بزنم، نه عصبانی میشدم و نه حرفمو میخورد، حرف‌هامو با اطمینان بیشتری می‌زدم تونستم خشممو کنترل کنم...» (کد ۱۱).

چهارمین مضمون اصلی افزایش عواطف مثبت شناسایی شد که مضامین فرعی خودباوری، افزایش حس شادی، کاهش اضطراب احساس امنیت، رسیدن به صلح و آرامش درونی، رضایت مندی از زندگی، امیدوار شدن به آینده را شامل شد:

«زمان برد، ولی در حال حاضر حس خیلی خوبی دارم چون من الان از تک به تک لحظه‌های زندگیم، چه خوب و چه بد لذت می‌برم و به زندگیم ۱۰ از ۱۰ میدم.» (کد ۵).

مضمون اصلی پنجم در پیامدهای سازگاری با طلاق والدین به انطباق مشارکت‌کنندگان با محیط مربوط می‌شد که در مضمون اصلی انطباق با محیط طبقه‌بندی شد:

«از زمانی که به این درک رسیدم که زندگی پدر و مادرم به خودشون مربوطه و توی زندگی من تاثیر نداره، تونستم خیلی روی خودم کار کنم و درس خوندم رتبه ۱۰۵ کنکور شدم و بهترین دانشگاه دارم درس میخونم» (کد ۱۲).

«بعد از طلاق خیلی اعتمادم رو به آدما از دست دادم، ولی الان یک ساله که خودم رو پیدا کردم و دوست‌های خیلی مطمئنی توی زندگیم دارم و اون اعتماد از دست رفته انگار توهم ذهن خودم بوده...» (کد ۹)

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از مطالعه کیفی پیشایندها و پیامدهای سازگاری با طلاق والدین در دختران جوان نشان داد وجود بسترهای فردی و بین فردی و بسترهای فرهنگی-اجتماعی، دلایل عمده شکل‌گیری سازگاری با طلاق والدین از دیدگاه دختران جوان محسوب می‌شود. دختران جوان به دلیل گسترش ظرفیت روانی، گسترش توانمندی‌های شناختی، گسترش مسئولیت‌پذیری و اتخاذ دیدگاه مثبت قادر به ایجاد بستر فردی برای سازگاری با طلاق والدین شدند. همچنین فعال‌بودن حمایت نزدیکان، پیوند اجتماعی و باورهای فرهنگی - اجتماعی کارآمد در بستر میان‌فردی از عوامل موثر بر سازگاری با طلاق والدین به‌شمار آمد و در نتیجه سازگاری با طلاق والدین، دختران جوان به پیامد بازآفرینی هویت دست یافتند که همراه با تجربه رشد پس از ضربه، افزایش عواطف مثبت و کاهش عواطف منفی، انطباق با محیط و افرینش معنا شکل گرفت. مضامین اصلی در این پژوهش با پژوهش‌های عبوض‌خانی و همکاران (۱۴۰۰)، رجایی و همکاران (۱۳۹۶)، سورک (۲۰۱۹)، گوگن (۲۰۱۵) و آماتو (۲۰۱۰) همخوانی نشان می‌دهند.

پیشایندها

در مورد مضمون اصلی اول می‌توان بیان کرد که گسترش گنجایش روان‌شناختی در مسائل زندگی می‌تواند آمادگی افراد را در مقابله با چالش‌های آینده افزایش بخشد. رجایی و همکاران (۱۳۹۶) به این نکته اشاره کردند که حالات روان‌شناختی مثبت می‌تواند گستره دید افراد را افزایش و شناخت و نحوه رفتارشان را تغییر بدهد که به فرد ابزاری برای مقابله با خطرات پیش‌بینی‌نشده در آینده می‌دهد و رسیدن به هدف را آسان‌تر خواهد کرد.

پیشایندها و پیامدهای سازگاری با طلاق والدین در دختران جوان

مضمون اصلی دوم در پیشایندها به گسترش توانمندی‌های شناختی مربوط شد. افراد با تغییرات شناختی در خود می‌توانند هیجانات و عواطف شان را کنترل کنند و به سازگاری برسند (جلوانی، اعتمادی، جزایری و فاتحی زاده، ۱۳۹۶). به نظر می‌رسد که فرزندان مورد مطالعه در پژوهش حاضر نیز با گسترش توانمندی‌های شناختی توانسته‌اند احساسات منفی خود را در جهتی مثبت هدایت کنند و به سازگاری برسند. امیرنژاد (۱۳۹۱) در تبیین یافته‌های خود به این امر اشاره دارد که هرچقدر خودپنداره فرد بالاتر باشد، حس مثبت‌تری نسبت به خویش دارد و خودش را بهتر می‌پذیرد و راحت‌تر می‌تواند خود را با محیط‌های مختلف تطابق دهد. لذا توانمندی‌های شناختی و چگونگی نگرش فرد نسبت به خویشتن در سازگاری فرد در عرصه‌های مختلف شغلی، خانوادگی و اجتماعی اثرگذار است که با یافته‌های مطالعه حاضر همخوانی دارد.

سومین مضمون اصلی به گسترش مسئولیت‌پذیری مربوط شد. به دلیل تغییراتی که در ساختار خانواده پس از طلاق رخ می‌دهد، پدر و مادر از زیر بار برخی مسئولیت‌ها شانه خالی می‌کنند یا هرکدام مسئولیت‌های خود را به دیگری منتقل می‌نمایند. در این وضعیت فرزندان بسیاری از مسئولیت‌های والدین را به عهده می‌گیرند. آن‌ها از خواهر یا برادر کوچک خود مراقبت می‌کنند، از والد سرپرست خود، مراقبت و گاهی برای آنان تصمیم می‌گیرند. در باره این مقوله فرعی نیز گرجین پور، علی‌پور و عبدی (۱۳۹۹) ضمن پژوهش خود دریافتند که افزایش مسئولیت‌پذیری و انعطاف‌پذیری نوجوانان با کنار آمدن آن‌ها با طلاق والدین مرتبط است. همچنین عیو خانی و همکاران (۱۴۰۰) در مورد تجربه نوجوانان از طلاق والدین دریافتند نوجوانان در پی این رویداد افزایش مسئولیت به‌ویژه مراقبت از نیازهای عاطفی والدین را تجربه می‌کنند. با وجود لین، در پژوهش امانی، زهرا کار و کیامنش (۱۳۹۷) با هدف شناسایی پیامدهای طلاق بر روی فرزندان، مسئولیت‌های زیاد بر گردن فرزندان در زیرمجموعه مقوله مشکلات ساختاری خانواده مطرح شده است و به‌عنوان پیامدی آسیب‌زا برای فرزندان شناسایی شده که با پژوهش حاضر همخوانی ندارد. گفتنی است که شرکت‌کنندگان در مطالعه کنونی، به گسترش مسئولیت‌پذیری به‌عنوان عاملی مثبت در جهت بهبود اوضاع و ایجاد سازگاری بهتر اشاره کردند.

مضمون اصلی چهارم به اتخاذ دیدگاه مثبت مرتبط شد. پس از طلاق والدین، بعضی از فرزندان ممکن است ادراک منفی همچون شکست و سرخوردگی و یا مسخره‌شدن از جانب اطرافیان را تجربه کنند، درحالی‌که بعضی دیگر ادراک مثبت از خود خواهند داشت (سورک، ۲۰۱۹). جوانان شرکت‌کننده در این پژوهش نیز با حفظ قابلیت‌های درون فردی خود ادراک مثبت نسبت به زندگی را حفظ کردند و توانستند با طلاق والدین سازگار بشوند. همچنین بنابر پژوهش گوگن^۱ (۲۰۱۵) مثبت‌نگری با سازگاری پس از طلاق ارتباط مستقیم دارد. همین‌طور رجایی و همکاران در پژوهش خود به این نکته اشاره کردند که حالات روان‌شناختی مثبت می‌تواند گستره دید افراد را افزایش بدهد و شناخت و نحوه رفتارشان را تغییر بدهد که به فرد ابزاری برای مقابله با خطرات پیش‌بینی‌نشده در آینده می‌دهد و رسیدن به هدف را آسان‌تر خواهد کرد (رجایی، نادری و جعفری، ۱۳۹۶).

^۱ Gogen

پنجمین مضمون اصلی، فعال بودن حمایت نزدیکان شناسایی شد. طلاق پدیده‌ای اجتماعی است که به‌منظور دستیابی به سازگاری، پذیرش و حمایت جامعه را نیاز دارد. شبکه حمایتی خانواده نقش حائز اهمیتی را در سازگاری با طلاق ایفا می‌کند و سطح رشد مثبت را افزایش می‌دهد (درموت^۱ و همکاران، ۲۰۱۳). یاربن (۲۰۱۵) در پژوهش خود، پذیرش کامل فرد از سوی خانواده و عدم طرد و سرزنش آن‌ها را عامل مهمی در کسب سازگاری می‌داند و کلمیجن^۲ (۲۰۱۰) حمایت خانوادگی را با سلامت روان مرتبط می‌داند. در مطالعه حاضر، عامل مهمی که آسیب‌های روان‌شناختی و اجتماعی افراد را پس از طلاق والدین التیام می‌داد، بازخوردهای مثبت اطرافیان بود که با پژوهش بصیرت فرد (۱۴۰۰) که عوامل بیرونی مؤثر بر سازگاری پس از طلاق را شامل استفاده خردمندانه از منابع حمایتی و نیز منابع حمایتی سازمانی می‌داند همخوانی داشت که چان لای چنگ و پیفر^۳ (۲۰۱۵) نیز در پژوهش خود به آن پرداختند. مضمون اصلی ششم به پیوند اجتماعی مرتبط شد. پیوند اجتماعی ازجمله گروه‌های دوستی همسالان و گسترش ارتباط با فرزندان دارای تجربه مشابه در شرکت‌کنندگان پژوهش، منجر به سازگاری با طلاق والدین شد که با مطالعه گرجین پور و همکاران (۱۳۹۹) که تأکید بر نقش افزایش تعاملات بین فردی با حرمت به خود بر سازگاری و کنار آمدن دارد، مطابقت داشت. در تبیین یافته‌های فوق می‌توان مطرح کرد که دختران جوان در مطالعه حاضر زمانی به سازگاری رسیدند که میان خود و محیط اجتماعی‌شان رابطه‌ای سالم برقرار کردند. وبر^۴ (۲۰۱۱) ارتباطات بیرونی خارج از خانواده و حمایت از جانب افراد و گروه‌ها را عامل مهمی در سازگاری می‌داند و بر این باور است که حمایت‌های اجتماعی در هر دو سطح محیطی خرد و کلان در سازگاری تأثیر دارند.

هفتمین و هشتمین مضمون اصلی حاصل از پژوهش حاضر، باورهای فرهنگی-اجتماعی کارآمد و بسترهای تربیتی را شامل شدند. یه‌یقین یافت اجتماعی، خانوادگی و فرهنگی فرد در سازگاری بعدی فرد با طلاق تأثیر گذاشته و نظریه‌پردازان خانواده همچون «بوئن^۵، آکرمن^۶، مینوچین و ویتاکر^۷ نیز به آن اشاره کرده‌اند. هر فردی در خانواده‌ای رشد می‌کند که شرایط این خانواده ازجمله باورها و ارزش‌های موجود در سیستم خانواده، کیفیت رابطه پدر و مادر، نوع ارتباط والدین با فرزندان، سبک فرزندپروری و دل‌بستگی، می‌تواند بر زندگی آینده فرد تأثیر داشته باشد (سودانی، خجسته مهر و همکاران، ۱۳۹۶). برخی ویژگی‌های شخصیتی سالم فرد از دوران کودکی در واکنش‌های بعدی او در بزرگسالی و به‌خصوص مواجهه با استرس‌های رخداد طلاق تعیین‌کننده خواهند بود. ویژگی‌هایی چون داشتن ارزش‌های شخصی پایدار، آگاهی‌های لازم برای استحکام، ایستادگی و کنار آمدن با سختی‌ها بعد از طلاق، مهم به شمار می‌آیند. در پژوهش حاضر جوانانی که شرایط والدین و علت تصمیم آن‌ها به طلاق را درک کرده بودند و نگاه

¹ Dermot

² Kalmijn

³ Chan Lai Cheng & Pfeifer

⁴ Weber

⁵ Bowen

⁶ Ackerman

⁷ Minuchin & Whitaker

پیشایندها و پیامدهای سازگاری با طلاق والدین در دختران جوان

منطقی به جدایی والدین و فرآیند رشدی خود از کودکی داشتند، سریع‌تر توانستند با شرایط موجود کنار بیایند که با پژوهش‌های انجام‌شده مطابقت دارد.

پیامدها

اولین مضمون اصلی شناسایی‌شده در پیامدهای سازگاری با طلاق والدین به رشد پس از ضربه^۱ مرتبط شد. رشد پس از ضربه، تغییرات درون‌فردی و روان‌شناختی مثبتی است که پس از وقوع یک حادثه سخت در افراد ایجادشده و نتیجه مقابله او علیه رویداد آسیب‌زا می‌باشد (احمدی‌زاده، ضرغامی، ۱۳۹۹). در مطالعه حاضر شرکت‌کنندگان پس از رویارویی با چالش‌های طلاق والدین توانستند به تجربه رشد پس از ضربه طلاق والدین دست پیدا کنند. مایکل و کوپر^۲ (۲۰۱۳) در پژوهش خود دریافتند که تجربه از دست‌دادن روابط می‌تواند منجر به رشد پس از ضربه شود. هونبرگر^۳ (۲۰۲۲) نیز در پژوهش خود بیان کرد رشد پس از ضربه از پیامدهای طلاق است که تغییر نگرش و توانمندی روان‌شناختی مثبت را به همراه دارد که با یافته‌های این پژوهش همخوانی دارد.

دومین مضمون اصلی، آفرینش معنا را شامل شد که در ادبیات پژوهشی و مبانی نظری متعددی به آن پرداخته شده است. در مطالعه حاضر شرکت‌کنندگان با پذیرش رنج و سختی زندگی معنا و تغییر مثبت بیش معنای جدیدی یافتند. ترلونا^۴ (۲۰۱۹) در پژوهش خود بیان کرد افراد پس از تجربه طلاق با نگاهی گذشته‌نگر اقدام به آفرینش معنا می‌کنند و در این مسیر علاوه بر رویارویی با تعارضات شخصی و اجتماعی طلاق، تغییرات مثبت در آنان رخ خواهد داد که با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی داشت.

سومین مضمون اصلی به کاهش عواطف منفی مرتبط شد. سازگاری در دختران جوان آرامش درونی و کنترل هیجانات منفی را در پی داشت. الهیاری (۱۳۹۰) با بررسی دیدگاه فرزندان افراد طلاق‌گرفته به این نتیجه رسید که عموماً فرزندان طلا، اگر ارتباط سالم با هر دو والد را حفظ کنند نه‌تنها با تغییرات زندگی سازگاری پیدا می‌کنند بلکه میزان عواطف مثبت و رضایت آنان از زندگی نیز بالاتر خواهد رفت. همین‌طور اسمعیلی، قاسمی‌نیا و حقانی (۱۴۰۱) در پژوهش خود بر روی نوجوانان در زمینه پیامدهای سوگ در راستای مصاحبه‌های انجام‌شده دریافتند که تجربه طلاق والدین برای بعضی نوجوانان نقطه عطف مثبتی در زندگی آنان به شمار می‌رود؛ به‌گونه‌ای که پس از طلاق صفات مثبت‌تری در آن‌ها نمایان شده که با پژوهش حال حاضر همخوانی دارد.

مضمون اصلی چهارم، انطباق با محیط بود. در پژوهش حاضر تلاش مشارکت‌کنندگان برای انطباق‌پذیری با محیط بیرون و جریان‌ات واقعی زندگی انجام گرفت و در آن افراد سعی کردند برنامه‌ریزی متناسب با حقایق وجودی خویش در جهت کمال داشته باشند. لی^۵ و همکاران (۲۰۱۵) انطباق را توانایی فرد جهت ایجاد توازن جسمانی و

^۱ Post-traumatic growth

^۲ Michael, C., & Cooper, M.

^۳ Hohenberger, K. L. D.

^۴ Treloar, R.

^۵ Lee

روانی در مواقع بحران تعریف کردند. فردی که به سازگاری رسیده باشد با استفاده از توانمندی‌های درونی و جلب حمایت بیرون، انطباق مطلوب بین خود و موقعیت‌های آینده ایجاد می‌کند و تا حد زیادی آسیب‌های آن را کاهش می‌دهد. محتایی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود مطرح کردند که سازگاری در دو جهت درونی و بیرونی اتفاق می‌افتد.

در نتیجه می‌توان گفت بر اساس این مطالعه، سازگاری دختران جوان با طلاق والدین از بسترهای قابلیت فردی، بین فردی، خانوادگی و فرهنگی-تربیتی سرچشمه می‌گیرد. این سازگاری موجب می‌شود دختران جوان به جای حرکت در مسیر آسیب‌های روانی-اجتماعی سازگاری، در مسیر بازآفرینی هویت خویش حرکت کنند. به دنبال این وضعیت دختران جوان با تجربه جدایی والدین به جای حالت‌های ناخوش عاطفی و شکست در روابط، عواطف مثبت همچون: خودباوری، آرامش و رضایت از زندگی را تجربه می‌کنند.

این پژوهش به نوبه خود دارای محدودیت‌هایی بود. علاوه بر محدودیت در تعمیم یافته‌ها به سایر محدوده‌های مکانی، مصاحبه مجازی با از دست دادن فرصت مشاهده اطلاعات غیرکلامی همراه بوده است. همچنین پیشنهادهای و پیامدهای سازگاری می‌تواند از راهبردهای دیگری اثر بپذیرند که در مطالعه حاضر به آن پرداخته نشده است.

با توجه به نتایج این پژوهش و در راستای حمایت از جوانان دارای تجربه جدایی والدین، پیشنهاد می‌شود: سازوکارهای گسترش ظرفیت روانی، پیوند اجتماعی و توانمندی‌های شناختی به‌طور گسترده مورد پژوهش واقع شود، چون فرآیند گسترش مفاهیم مذکور نیازمند روشن‌سازی است. پیشنهاد دیگر در راستای انجام پژوهش حاضر در جامعه وسیع‌تر و محدوده مکانی متفاوت است تا از این طریق بتوان پیشنهادهای و پیامدهای سازگاری با طلاق والدین را در ابعاد گسترده‌تر شناسایی کرد.

منابع

- اعتمادی، عذرا؛ جابری، سمیه؛ جزایری، رضوان‌السادات و احمدی، احمد. (۱۳۹۲). «بررسی رابطه مهارت‌های ارتباطی، الگوهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض با صمیمیت زناشویی در زنان شهر اصفهان». فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه. ۵(۱۷)، صص ۶۳-۷۴.
- اسمعیلی، معصومه؛ طاهری جمعالی، جیران؛ قاسمی نیایی، فاطمه و حقانی زمینانی، مجتبی. (۱۴۰۱). «بررسی راهبردهای اثربخش نوجوانان در برخورد با سوگ ناشی از طلاق والدین». فصلنامه رویش روان‌شناسی. ۱۱(۴)، صص ۹۷-۱۰۵.
- امانی، زکیه؛ زهراکار، کیانوش و کیامش، علیرضا. (۱۳۹۷). «شناسایی پیامدهای طلاق والدین بر فرزندان: مطالعه کیفی». نشریه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده. ۱۴(۴۷)، صص ۵۹-۸۱.
- امیرنژاد، غلامرضا. (۱۳۹۱). «رابطه خودپنداره و تنظیم شناختی هیجان با سازگاری». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت.
- الهیاری، اکرم. (۱۳۹۰). «بررسی دیدگاه فرزندان افراد طلاق گرفته بین سنین (۱۰-۱۸ سال) نسبت به طلاق و تاثیر آن در زندگی آنان در شهر ابرهر». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور تهران.

پیشایندها و پیامدهای سازگاری با طلاق والدین در دختران جوان

- بهاری ساروخیل، لیلا. (۱۳۹۴). «بررسی کیفی عمل به باورهای دینی و راهبردهای مقابله‌ای در زوجین در آستانه طلاق». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- جلوانی، راضیه؛ اعتمادی، عذرا؛ جزایری، رضوان السادات و فاتحی‌زاده، مریم. (۱۳۹۶). «کشف عوامل مؤثر بر تنظیم هیجان: یک مطالعه کیفی». مجله تحقیقات علوم رفتاری. ۱۵(۳)، صص ۳۶۳-۳۷۰.
- رجایی، اعظم؛ ناد، محمدعلی و جعفری، علیرضا. (۱۳۹۶). «ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس سرمایه روان‌شناختی مثبت در بین کارکنان ستادی آموزش و پرورش شهر اصفهان». دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی. ۱۸(۳)، صص ۹۴-۱۰۸.
- زمانی زارچی، محمدصادق؛ لواسانی، غلامعلی، اژه‌ای، مسعود؛ حسین‌زاده اسکویی، علی و صمدی کاشان، سحر. (۱۳۹۷). «مطالعه پدیدارشناسانه تجارب هیجانی و ذهنی فرزندان طلاق». فصل‌نامه پژوهش در سلامت روانشناختی. ۱۲(۱)، صص ۳۹-۵۴.
- سازمان ثبت احوال کشور. <https://www.sabteahval.ir/home>
- عبدی، محمدرضا؛ پورابراهیم، تقی و نظری، علی محمد. (۱۳۹۲). «تأثیر برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق بر میزان سازگاری آن‌ها با طلاق والدین‌شان». خانواده پژوهی. ۹(۳)، صص ۳۴۳-۳۵۸.
- عبوض‌خانی، زهرا؛ سهرابی ملایوسف، اسرا و جعفری کلپیر، فاطمه. (۱۴۰۰). «مشکلات عاطفی، اجتماعی و هیجانی دانش‌آموزان تک‌والد طلاق در مدارس از دیدگاه دبیران دوره اول متوسطه». هفتمین کنفرانس بین‌المللی دانش و فناوری علوم تربیتی، مطالعات اجتماعی و روان‌شناسی ایران، تهران.
- کمالی‌نیا، محمد. (۱۴۰۰). «بررسی اثربخشی آموزشی مدیریت خشم و استرس در سبک فرزندپروری والدین نوجوانان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، موسسه آموزش عالی خزر، محمودآباد.
- محمودپور، عبدالباسط؛ شیر، طاهره؛ فرحبخش، کیومرث و ذوالفقاری، شادی. (۱۳۹۹). «پیش‌بینی گرایش به طلاق بر اساس دلزدگی زناشویی و تحمل پریشانی با میانجی‌گری احساس تنهایی در زنان متقاضی طلاق». فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی. ۴(۱۱)، صص ۱۲۱-۱۴۱.
- محتایی، ستاره؛ گلستانه، سیدموسی؛ پولادی ری‌شهری، علی و کیخسروانی، مولود. (۱۳۹۸). «اثربخشی زوج‌درمانی به روش طرحواره درمانی یانگ بر سازگاری زناشویی و طلاق عاطفی در زوجین متقاضی طلاق شهر بوشهر». نشریه علمی روانشناسی اجتماعی. ۷(۵۱)، صص ۱۰۹-۱۱۸.
- نظری‌فر، محسن؛ سودانی، منصور؛ خجسته‌مهر، رضا و فرهادی‌راد، حمید. (۱۳۹۶). «تدوین الگوی سازش‌یافتگی زنان پس از رخداد طلاق: یک پژوهش زمینه‌ای». فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده. ۹(۲)، صص ۹۹-۱۲۲.
- Amato, P. R. (2010). "Research on divorce: Continuing trends and new developments". Journal of Marriage and Family, 72(3), 650-666.
- Amato, P. R., & Booth, A. (2021). A generation at risk. In A Generation at Risk. Harvard University: Harvard University Press.
- Barber, J. E. (2010). "An examination of happiness and its relationship to community college students' coping strategies and academic performance". Morgan State University, UMI.
- Bastaitis, K., Pasteels, I., Mortelmans, D. (2018). "How do post-divorce paternal and maternal family trajectories relate to adolescents' subjective well-being?" Journal of Adolescence, 64 , 98-108.

- Bolkan, A., & Kaya, A. (2016). **"The Effects of Life Skills Psychoeducation Program on Divorced Women's Self-actualization Levels"**. The Anthropologist, 23(3), 343-354.
- Boring, J. L., Sandler, I. N., Tein, J. Y., Horan, J. J., & Vélez, C. E. (2015). **"Children of divorce-coping with divorce: A randomized control trial of an online prevention program for youth experiencing parental divorce"**. Journal of Consulting and Clinical Psychology, 83(5): 999.
- Chan Lai Cheng, J., & Pfeifer, J. E. (2015). **"Postdivorce adjustment in Singapore: Factors, themes, and positive growth"**. Journal of Divorce & Remarriage, 56(6), 429-450.
- Hochenberger, K. L. D. (2022). **"A Generic Qualitative Inquiry into the Experiences of Post-Traumatic Growth in Divorced Single Mothers"**. Doctoral dissertation, Capella University.
- Kalmijn, M. (2010). **"Country differences in the effects of divorce on well-being: The role of norms, support, and selectivity"**. European Sociological Review, 26(4), 475-490.
- Lee, B., Padilla, J., & Mchale, S. M. (2015). **"Transmission of work ethic in African-American families & its links with adolescent adjustment"**. Journal of Youth Adolescence, 45(11), 2278-2291.
- McDermott, R., Fowler, J. H., & Christakis, N. A. (2013). **"Breaking up is hard to do. Unless everyone else is doing it too: Social network effects on divorce in a longitudinal sample"**. Social Forces, 92, 491-519.
- Michael, C., & Cooper, M. (2013). **"Post-traumatic growth following bereavement: A systematic review of the literature"**. Counselling Psychology Review, 28(4), 18-33.
- Oldham, J. T. (2018). **"An Overview of the Rules in the USA regarding the Award of Post-Divorce Spousal Support in 2019"**. Hous. J. Int'l L, 41, 525.
- Onarheim, I., Astrid, J., Litland, S., Hallstrom, IK. (2018). **"Living in Two Worlds: Children's Experiences after Their Parents' Divorce – A Qualitative Study"**. Journal of Pediatric Nursing, 43 (1), 44-51.
- Raley, R. K. & Sweeney, M. M. (2020). **"Divorce, repartnering, and stepfamilies: A decade in review"**. Journal of Marriage and Family, 82(1), 81-99.
- Rawlins, R. N. (2012). **"African/Caribbean-Canadian women coping with divorce: Family perspectives"**. Canada: University of Toronto.
- Sorek, Y. (2020). **"Grandparental and overall social support as resilience factors in coping with parental conflict among children of divorce"**. Children and Youth Services Review, 118, 1-10.
- Stutzman, S. V., Bean, R. A., Miller, R. B., Day, R. D., Feinauer, L. L., Porter, C. L., & Moore, A. (2011). **"Marital conflict and adolescent outcomes: A cross-ethnic group comparison of Latino and European American youth"**. Children and Youth Services Review, 33(5), 663-668.
- Treloar, R. (2019). **"Parents making meaning of high-conflict divorce"**. Australian and New Zealand Journal of Family Therapy, 40(1), 85-97.
- Weber, J. G. (2010). **Individual and family stress and crises**. New York City: Sage